

بزرگان هنر ایران با رهبر سابق ارکستر ملی عکس یادگاری گرفتند

آواز ناظری به افتخار «فخرالدینی»

سحر آزاد



بزرگان هنر ایران با رهبر سابق ارکستر ملی عکس یادگاری گرفتند

است که حتی محیطی دلگرم‌کننده و مطمئن نداشته‌ایم. بیشترین دیدارهای ما در مجالس ختم بوده است. خوشحالم که امشب را می‌توانم به بهشتی تعبیر کنم که پیام‌آور آن فخرالدینی است و تا نسل‌های گذشته و آینده در موسیقی جریان دارند، اسم فخرالدینی هست و خواهد بود.»

در ادامه صدیق تعریف، خواننده، همکاری با فخرالدینی در سریال‌های امام‌علی(ع) و ابن‌سینا را افتخاری برای خود دانست و با آرزوی سلامتی و طول عمر برای او، بخشی از قطعه سریال امام‌علی(ع) را اجرا کرد.

محمد سرریز، نوازنده، آهنگساز و عضو هیات‌مدیره خانه موسیقی نیز سخنران دیگر این مراسم بود که برخلاف دیگران به موضوع اهمیت انتشار کتاب «شرح بی‌نهایت» پرداخت: «تاریخ موسیقی ایران بسیار خلاصه است. این خلأ خیلی مورد توجه قرار نگرفته اما تالیف این کتاب می‌تواند کمک بسیار بزرگی برای رفع خلأهای موجود تاریخ موسیقی ایران باشد.» محمد موسوی، نوازنده نی هم وقتی برای ایراد سخنرانی دعوت شد، ترجیح داد به‌جای کلام، با اجرای قطعه «خسرو و شیرین بختیاری» در مایه شوشتی از فخرالدینی تقدیر کند. علیرضا قربانی، خواننده‌ای که در ارکستر ملی سابقه همکاری با فخرالدینی را داشت، اولین دیدار خود با این

همه برای یک نام، دور هم جمع شده بودند؛ مردی که سال‌ها ارکستر ملی ایران را با اشاره «باتون» خود هدایت کرده است. شهرام ناظری، محموددولت‌آبادی، حسین علیزاده، فرهنگ شریف، هوشنگ ظریف، داریوش طلابی، هوشنگ کلمکار، داوود گنجیای، مجید درخشانی، کیوان ساکت، پری بنان، ملیحه سعیدی، فاطمه واعظی (پریسا)، فخرالدین فخرالدینی و خیلی‌های دیگر آمده بودند تا به قول خودشان بعد از سال‌ها به جای اینکه در یک مراسم عزاداری گردهم آیند، بار دیگر در سایه سکان رهبری فرهاد فخرالدینی‌شبی به پادماندنی‌را برای موسیقی ایران رقم بزنند.

بنای قاجاری موزه موسیقی، شاملگه ۱۱تیر میزبان چهرههایی از جامعه موسیقی بود که به دلیل مراسم رونمایی از کتاب «شرح بی‌نهایت» شامل خاطرات مشترک آژرم و فرهاد فخرالدینی آمده بودند. پیش از این مراسم که قرار بود ساعت ۲۰ آغاز شود اما با تاخیری یکساعته همراه شد، فخرالدینی با دوستان‌از خود عکس یادگاری گرفت و کتاب‌های آنها را امضا کرد.

پس از آن، مراسم در فضای باز موزه موسیقی شروع شد. علی مرادخانی، رییس موزه موسیقی به عنوان میزبان این برنامه از افتتاح استودیو و گالری موزه در زمانی

نزدیک خبر داد و برگزاری این مراسم را اقدامی در مقابل تلاش‌های فرهاد فخرالدینی در عرصه موسیقی برشمرد.

علی هاشمی، نوازنده و پژوهشگر موسیقی هم از خاطرات دوستی‌ای که با فخرالدینی داشت، گفت و در ادامه حسین علیزاده، نوازنده تار، سه‌تار و آهنگساز از روزهای هنرستان که استادانی همچون فخرالدینی در آن به تدریس مشغول بودند، یاد و آن دوران را بهشت زندگی خود توصیف کرد. او همچنین مروری بر روزهای سختی که اهالی موسیقی پشت سر گذارلند، داشت: «بعد از پیروزی انقلاب ما اهالی موسیقی احساس تنهایی می‌کردیم. در همان روزها که فخرالدینی مسوولیت‌هایی در حوزه موسیقی برعهده گرفته بود، دل خونی از برخی همکاران خود داشت چون در آن دوره کسانی بودند که بیشتر، ارادت اداری به کارشان داشتند تا تعهد به کار، اما من در کنار بزرگانی چون فخرالدینی احساس تنهایی نکردم. خیلی موقع‌ها خانه امید من خانه فخرالدینی بود و در تنهایی به او پناه می‌بردم»

او با بیان اینکه فخرالدینی یک استاد واقعی است، سخنانش را اینگونه پایان داد: «متأسفانه شرایط طوری بوده

زیر آسمان فیزوهای

گران‌ترین اثر «حراج تهران» روی دیوار موزه بانک «پاسارگاد»

● شرق: چهارسال از زمانی که یک بخش خصوصی، آن هم یک بانک، موزه‌ای برای نمایش آثار هنری تأسیس کرد، می‌گذرد. حدود یک دهه است که سرمایه‌گذاری روی آثار هنری مانند گذشته به‌عنوان یک حرف تعجب‌برانگیز قلمداد نمی‌شود. فارغ از دوستان‌از هنر، طیف دیگری از خریسداران و مجموعه‌دارانی به این جرگه افزوده شده‌اند که پیش از این، دغدغهای برای حمایت از هنر نداشتند. شاید اولین جرقه‌های توجه سرمایه‌گذاران به خرید و جمع‌آوری آثار هنری زمانی زده شد که نقاشی‌ها، عکس‌ها و مجسمه‌های ایرانی در حراج‌های خارجی با اقبال خوبی مواجه شد و به مرور حضور ایرانی‌ها به‌عنوان یک رقیب جدی برای هنرمندان دیگر کشورها به‌شمار رفت. خبرهایی که از فروش آثار ایرانی‌ها در حراج‌های معتبری مانند کرسیتزی، بونامز و... در داخل کشور منتشر می‌شد، توجه به هنرهای تجسمی را جلب کرد و رفته‌رفته گالری‌داران و مجموعه‌داران را برای اینکه بتوانند سرمایه‌گذاران داخلی را به سمت این حوزه وارد کنند، ترغیب کرد، هرچند قیمت آثار هنری فروش رفته در حراج‌ها، قیمت‌های داخلی را هم بدون توجه به میزان قدرت خرید مردم، بالا برد و هشدارهایی را در این زمینه به وجود آورد اما بعد از فروکش کردن تپ‌توبان همه هیجانی که یک‌باره هنرهای تجسمی را دربر گرفته بود، بازار آثار هنری بعد از چند سال توانست با فاصله از این هیجان، ثبات نسبی را به وجود آورد. با همه اینها زمانی که دی و کشور‌های عربی در تلاش برای ایجاد بازار آثار هنری و جذب سرمایه‌گذاران خارجی بودند، این افسوس همیشگی برای هنرهای تجسمی ایران وجود داشت که با وجود توانایی مجموعه‌داران و موفقیت هنرمندان ایرانی چرا حراج‌ها در داخل کشور خودمان شکل نگرفته‌اند؟ بالاخره اولین حراج تهران در نیمه اول سال ۹۱ با فروشی معادل دومیلیاردتومان برگزار شد اما وقتی دومین حراج تهران هفتم تیر سال‌جاری در هتل پارسیان اوین برپا شد، حتی برگزار کنندگان و کارشناسان باتجربه هم پیش‌بینی فروشی معادل ۵/۶میلیاردتومان را برآورد نمی‌کردند. رقم‌هایی که در این حراج برای آثار هنری چکش خورده، خارج از تصویری بود که یک خریدار ایرانی بخواهد روی یک اثر تا این مبلغ سرمایه‌گذاری کند. این موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که گران‌ترین اثر این حراج که تابلویی از نیم‌تنه درختان بود با قیمت ۷۰۰میلیون تومان خریداری شد. خریسار این اثر بانک پاسارگاد است. همان نهادی که از چهارسال قبل با تأسیس موزه‌ای در یکی از طبقات موسسه فرهنگی هنری «صبا» در میان جامعه تجسمی به‌عنوان یک حامی مالی شناخته شد.

چهره روز

میشل ستبون داور جشنواره عکس «رژان» شد
عکاس عکس معروف امام (ره) در راه ایران



● شرق: داوران دومین دوره جشنواره عکس «رژان» در حالی معرفی شدند که در بین آنها در کنار افرادی چون رخشان بنی‌اعتماد، محمود کلاری، سیف‌الله صمدیان و مجید سعیدی، نام «میشل ستبون» (Michel Setbon) عکاس فرانسوی هم دیده می‌شود. این عکاس شاید برای عموم ایرانی‌ها شخصیت معروفی نباشد، اما همگان بدون شک عکس معروفش را از امام‌خمینی(ره) دیده‌اند؛ عکسی تاریخی که به‌عنوان اولین تصویر از امام‌خمینی(ره) در نوفل‌لوشاتو شناخته می‌شود. ستبون سال ۱۳۵۷ برای ثبت وقایع انقلاب اسلامی به ایران آمد. این عکاس صاحب‌نام فرانسوی در زمان انقلاب و اوایل جنگ، در ژانلس عکس «سپیا» مشغول به کار بود و مجموعه آثار مهمی از این دوران دارد. او که عکاس مستند اجتماعی است، عکاسی را به‌طور تجربی آموخته، او به ایران آمد تا در کنار شماری دیگر از عکاسان ایرانی، بخشی از نفیس‌ترین عکس‌های انقلاب ایران به نامش ثبت شود؛ عکس‌هایی که شاید کامل‌ترین منبع عکس‌های مستند تاریخ انقلاب ایران به‌شمار رود. ستبون آخرین‌بار خرداد ۹۱ به تهران آمد و ورکشاپ تخصصی عکاسی مطبوعاتی را در کنار شهیدالاعلم از بنگلادش در موزه هنرهای دینی امام‌علی(ع) برگزار کرد. حالا وی قرار است بار دیگر به ایران بیاید و آثار این دوره از جشنواره «رژان» را در کنار دیگر داوران ایرانی مورد قضاوت قرار دهد. جشنواره رژآن هر سال یک موضوع که مصداق عینی به ظاهر شفاف‌ی ندارد و از نظرگاه‌های گوناگونی می‌توان به آن نگریست را به رقابت گذاشته که عکاسان می‌توانند بر اساس خلاقیت‌های فردی‌شان، در هر ژانر و گونه‌ای این موضوع را به قاب تصویر ببرند. این جشنواره موضوعی عکس سعی می‌کند فرصتی خلاقانه و آزاد از دید عکاسان سراسر جهان برای موضوع محوری خود فراهم آورد. رویکردی که موجب شده تا رژآن، «آب» را به‌عنوان موضوع جشنواره سال دوم برگزیند. موضوعی که برای دومین دوره این جشنواره در نظر گرفته شده «آب» است که آثار در دو بخش اصلی با موضوع آب و بخش ویژه با موضوع آب‌رسانی به رقابت گذاشته می‌شوند.

که دلشان می‌خواهد، نه جمع‌هایی که برای ما همیشه غریبه بوده است.»

او با ابراز تأسف از اینکه تاکنون همکاری مشترکی با فخرالدینی برایش پیش نیامده است، دو بیت از مثنوی مولانا را که در بزرگداشت داریوش صفوت اجرا کرده بود، خواند و برای لحظاتی فضای موزه موسیقی را با شعر «شاد باش ای عشق خوش سودای ما /ای طیبیب جمله علت‌های ما» به سکوت وا داشت.

البته در میان هنرمندان موسیقی، چهره‌هایی از حوزه‌های دیگر نیز میهمان این شب بودند. محمود دولت‌آبادی، نویسنده‌ای که در طول مراسم در کنار فخرالدینی نشست، بود؛ با اظهار خرسندی از شرکت در این جمع گفت: «من در طول زندگی خود همیشه جست‌وجو می‌کنم تا سپاسگار کسلی باشم که حتی در کوچک‌ترین شکل ممکن از آنها آموختمام و سعی می‌کنم در ضمیر خودم از آنها سپاسگزاری کنم. امشب هم که این فرصت پیش آمده از شما سپاسگزاری می‌کنم که از استاد فخرالدینی سپاسگزاری می‌کنید.» کیوان ساکت، نوازنده تار و سه‌تار که

با اجرای تار و دکلمه‌ای از شعر فریدون مشیری مراسم را پیش برد، پیش از شروع اجرای خود گفت: «اگر ما در دنیا به پارسی‌زبانی متمایز هستیم، این تمایز مدیون ادبیات و موسیقی ماست که فرهاد فخرالدینی هم جزئی از آن است.» اما پایان‌بخش برنامه‌ها رونمایی از کتاب «شرح بی‌نهایت» بود. فخرالدینی که از سخنان دوستانش اظهار خوشحالی کرد و سعی کرد با گفتن این جمله که «من هم عاشقانه شما را دوست دارم» پاسخگوی محبت آنها باشد، از زمانه‌ای گفت که آژرم فخرالدینی، همسرش زنده بود: «من با همسری زندگی کردم که همواره حضور تاثیرگذاری در زندگی من داشت. من او را به‌معنای واقعی کلمه دوست داشتم اما متأسفم که آژرم در سایه من پنهان شد. تمام تلاش او این‌س بود که من در آرامش فعالیت کنم.» او که ۱۱سال رهبری ارکستر ملی ایران را برعهده داشت، افزود: «قرار بود او سرگذشت من را بنویسد اما در نهایت قسمت این شد که من سرگذشت او را بنویسم» تصویر نهایی این مراسم هم صدای شاتر عکاسانی بود که فخرالدینی و همه دوستان او را که برای رونمایی کتاب در کنار هم ایستاده بودند، در قاب دوربین خود جای می‌دادند و مجری مراسم از آنها می‌خواست ترتیب قدر را رعایت کنند تا همه چهره‌ها در عکس، ثبت شوند.

LEON

Since 1960

خاص بودن رویا نیست.

رزرو کنید.



Painting of Mr. Leon, founder of Leon restaurants (1950)

رستوران لئون درسال ۱۹۶۰ میلادی در تهران، خیابان آیان جنوبی تأسیس گردید و هم اکنون با داشتن دو شعبه دیگر (فرشته سام سنتر و نیاوران) با مدیریت همان خانواده به فعالیت خود ادامه می دهد.

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند

خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو

تلفن : ۸۸۹۳۰۳۶۳-۸۸۹۰۴۶۲۵

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)

قبل از دوراهی دزاشیب

تلفن : ۲۲۷۲۲۴۰۰-۲۲۷۲۲۴۲۰۰

www.leon1960.com

فرشته: فرشته – سام سنتر – طبقه ۷

تلفن : ۲۲۶۵۳۸۴۱